

جهاد؛ از ابن تیمیہ تا ابن لادن

## جهاد؛ از ابن تیمیه تا بن لادن

بعد از حملات تروریستی 11 سپتامبر به برج های دوقلوی سازمان تجارت جهانی از سوی القاعده، واژه «جهاد» به طور وسیعی در رسانه های غرب به کار رفت که در اغلب موارد، معنای واقعی آن تحریف شده و بعضاً اسلام را مترادف با خشونت نشان می داد. این مقاله به سیر تکوینی معنای «جهاد» از صدر اسلام تا عصر حاضر و بیشتر به معنای «جهاد» در گروه های اسلام گرای نظامی تکیه خواهد کرد. در این مقاله این مطلب تبیین شده است که برداشت کسانی از قبیل اسامه بن لادن از جهاد با معنای آن در میان شیعه متفاوت است.

### مقدمه

«معنای جهاد از لحاظ شرعی این است که انسان با گذشتن از جان و مال خویش، در راه برتری توحید و کلمه اسلام و پایه های رسالت و اقامه شعائر ایمان و برافراشتن پرچم دین الهی، با تمام امکانات خود تلاش و مبارزه کند.<sup>2</sup>

جهاد در معنای خاصی که در متن اسلام و عرف رایج میان مسلمانان وجود دارد، یعنی «کوشش در راه خدا»؛ از این منظر اساسی است که می توان گفت همه زندگی بنا بر نظر اسلام «جهاد» است زیرا جز تلاش برای زیستن مطابق با اراده خداوند و کوشش برای انجام اعمال صالح و دوری از بدی ها نیست». به دلیل این که در اسلام دین و دنیا جدا از یک دیگر نیستند، بنابراین کل حیات انسان مستلزم نوعی جهاد است. از همین رو با وجودی که بر خلاف نماز و روزه، جهاد از ارکان اسلام محسوب نمی شود، اما «عمل به همه عبادات بی گمان مستلزم نوعی جهاد است.»<sup>3</sup>

بعد از حملات 11 سپتامبر به برج های دوقلوی سازمان تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون، واژه جهاد بیش از پیش در رسانه ها و محافل علمی غربی به کار گرفته شد، به طوری که بعضی از مواقع ایدئولوژی القاعده را جهادیسیم (Jihadism) می نامیدند.<sup>4</sup> در طول تاریخ اسلام به ویژه در سده های نخستین و در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله جهاد به دنبال از هم گسستن ارزش های قبیله گرایی (tribalism) و فراخوانی امت به اسلام و شریعت و «همه نیروهای مرکزگرایی صورت می گرفت که وحدت اسلامی را تهدید می کردند.» در واقع جهاد توسط رهبری مذهبی اعلام می شد که خارج از دنیای قبیله ای قرار داشت و مسلمانان را در مقابل کفار قرار می داد. به عبارت دیگر جهاد «عصیت» قبیله ای را به نفع «امت» از بین برد.<sup>5</sup>

هدف از پژوهش حاضر ارائه مراحل گسترش ایده جهاد از قرون نخستین اسلام تا عصر حاضر و تمرکز بر این نکته است که چگونه گروه های تندرو اسلامی برداشتی نادرست از این واژه ارائه داده اند. هدف آنها مشروعیت سازی برای خشونت است که علیه غرب و دولت های خود به کار می گیرند. اشخاصی از قبیل اسامه بن لادن با استفاده از اندیشه های متفکران رادیکال پیش از خود و ارائه تفسیری دل خواه از آیه های قرآن سعی دارند که اعمال تروریستی خود را موجه نشان دهند. همان طور که در طول تاریخ غرب جنگ هایی تحت عنوان جهاد صورت گرفته و تأیید پاپ را که جنگ های صلیبی را رهبری می کرده، به همراه نداشته است، «در اسلام نیز

کسانی به نام جهاد، پیکارها کرده اند هرچند این پیکارها، مطابق با شریعت اسلام و به معنای فنی کلمه، جهاد به شمار نیامده است و علما نیز بر آن صحه نگذاشته اند.» علاوه بر این از آغاز پیدایش اسلام و درگیری مسلمانان با مسیحیان، «جنگ هایی را که غرب تحت لوای Crusade به راه انداخته است، بسی بیش از جهادهای صورت گرفته به دست مسلمانان است.»<sup>6</sup>

### 1. جهاد در قرآن و سنت

در هیچ کدام از آیه های قرآن ایده جنگ نامحدود به رسمیت شناخته نشده است. با وجودی که قرآن تأکید می کند که مسلمانان باید با کسانی که با آنها می جنگند، پیکار کنند، اما در آیات متعددی بر این نکته نیز تأکید کرده است که مسلمانان نباید به دیگران تجاوز کنند.<sup>7</sup> در جایی دیگر نیز به صراحت اعلام کرده است که هر شکلی از تغییر کیش اجباری به اسلام ممنوع می باشد؛ «در دین هیچ اجباری نیست.»<sup>8</sup>

از نظر قرآن، اگر غیر مسلمانان خواهان صلح باشند، مسلمانان نیز برای دست یابی به آن باید تلاش کنند. قرآن می فرماید که خداوند مسلمانان را از صلح با کسانی که در حال جنگ با آنها هستند باز نمی دارد، بلکه مسلمانان را از صلح با کسانی که به خانه های مسلمانان تجاوز کرده و آنها را از خانه های خود بیرون می کند، منع کرده است.<sup>9</sup> در آیه دیگری نیز حکم قوی تری را به نفع صلح اعلام کرده است و می فرماید: «و اگر دشمنانتان به صلح گراییدند تو نیز بدان گرای و بر خدا توکل کن که او شنوای داناست.»<sup>10</sup> علاوه بر این به مسلمانان دستور می دهد که از روی نخوت دست رد به سینه کافرانی که به دنبال صلح با مسلمانان هستند نزنند.<sup>11</sup> با توجه به آیه های متعددی که راجع به صلح آمده است، اگر مسلمانان در حال جنگ دائم با کافران بودند و اگر کافران و یا غیر مسلمانان یک دشمن دائم و همواره یک هدف مشروع به شمار می آمدند، بدون تردید دیگر بحث های مربوط به صلح بی معنا بودند.<sup>12</sup>

در سنت اسلامی نیز مفهوم جنگ مقدس وجود ندارد. طبق روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از غزوه عظیم بدر که نقش بسزایی در بقای امت اسلامی داشته است، ایشان میان جهاد اصغر و اکبر تفاوت قائل شده و فرموده اند: «شما از جهاد اصغر به سوی جهاد اکبر بازگشته اید و آن گاه که از ایشان درباره جهاد اکبر پرسیده اند، ایشان فرموده اند: آن جهاد با نفس امّاره است.»<sup>13</sup> با وجودی که قرآن، تجاوز و جنگ نامحدود و خشونت را ممنوع اعلام کرده است، اما بسیاری از فقهای کلاسیک اسلام در یک رویکرد جهان را به دو اردوگاه دارالحرب و دارالاسلام تقسیم کرده و از جنگ علیه کافران حمایت می کردند.<sup>14</sup> اما چنین نگرشی مورد تأیید همه علمای اسلام نبوده است.

همه فقهای شیعه و تقریباً بیشتر فقهای اهل تسنن و به ویژه در عصر حاضر، جهاد را تنها زمانی مشروع دانسته اند که نه ابتدایی (تهاجمی)، بلکه دفاعی بوده باشد. (البته لازم به ذکر است که برخی از فقهای شیعه، جهاد ابتدایی را نیز جایز دانسته اند، لذا اجماع کاملی در این مورد در میان فقهای شیعه وجود ندارد، اما اکثریت، جهاد ابتدایی را جایز ندانسته اند.) در اهل تسنن و به ویژه از دهه 1950 و فتوای محمد شلتوت، اکثر علمای سرشناس عالم تسنن متفق القولند در این که تنها جهاد جایز جهاد دفاعی است؛ یعنی هرگاه کیان امت اسلامی به خطر افتد بر کل امت واجب است که به جهاد برخیزند.» در دیدگاه سنتی اهل تسنن، در صورتی که حکومت اسلامی وجود داشته باشد، این وظیفه حاکم است که با مشورت علما جهاد کند و در صورتی که حکومت اسلامی وجود نداشته باشد، مراجع دینی، علما و به بیانی مفتیان از چنین حقی برخوردار خواهند بود. با وجودی که در اسلام هر شخصی به تنهایی در پیشگاه خداوند مسئول است و هیچ طبقه روحانیتی وجود ندارد، اما هیچ کس نمی تواند به صرف این که

مسلمان است و قدرت سیاسی و نظامی دارد، اعلام جهاد کند. 15.

## 2. ابن تیمیه

در سال 1258 میلادی مغول ها بغداد را تصرف کردند. پیروزی مغول ها به قرن ها قدرت بغداد در دنیای اسلام پایان داد. این حادثه و حوادثی که بعد از آن رخ داد، مشاجرات زیادی را در دنیای اسلام و در میان مسلمانان برانگیخت. یکی از این اشخاص، ابن تیمیه حنبلی مذهب (1328 - 1263م) بود. وی تنها چند سال پس از سقوط بغداد به دنیا آمد و علیه حاکمان مسلمان شده مغول دست به شورش زد. از نظر او بعد از پیامبر و خلفای راشدین، اسلام تحریف شده است. 16. وضعیت جامعه ای که ابن تیمیه در آن زندگی می کرد باعث شد تا وی برای سرنگونی رژیم حاکم که بر یک اقلیت نظامی متکی بود، اعلام جهاد کند. 17. در واقع، ابن تیمیه اولین متأله مسلمان بود که به صورت منظم و منسجم به مسئله جهاد پرداخت و یک بخش بزرگ از کتاب السیاسة الشرعية را به این موضوع اختصاص داد.

ابن تیمیه با ذکر آیات متعددی که راجع به جهاد در قرآن آمده است؛ 18 نتیجه می گیرد که جهاد، عملی است که یک مسلمان مؤمن می تواند انجام دهد. از نظر او جهاد بر حج، نماز و روزه برتری دارد. از نظر وی ویژگی واقعی یک انسان نه در ریاضت و تقوای فردی بلکه در جهاد بروز پیدا می کند. ابن تیمیه به سه دلیل جهاد را سودمند می داند و معتقد است که باید به آن عمل کرد:

اول این که جهاد نه تنها به شخص شرکت کننده در جهاد (مجاهد) بلکه به سایرین نیز چه از نظر مذهبی و چه از نظر احساسی فایده می رساند. دوم این که جهاد از همه عبادت ها برتر است. جهاد بیشتر از هر عمل دیگری عشق و پرستش بندگان نسبت به خداوند را نشان می دهد. کسانی نیز که در جهاد شرکت می کنند در هر صورتی پیروزی را به دست می آورند؛ یا پیروز می شوند و یا به شهادت رسیده و به بهشت می روند که خود پیروزی بزرگ تری است، سوم این که همه موجودات باید زندگی کرده و در نهایت بمیرند و جهاد وسیله ای است که انسان ها می توانند با استفاده از آن به بهترین وجهی بمیرند و سعادت هر دو جهان خود را به دست آورند. علاوه بر این شهادت آسان ترین شکل مردن است. 19.

ابن تیمیه جهاد را هم علیه صلیبیون و هم علیه مغول ها که هر کدام قسمتی از دارالاسلام را اشغال کرده بودند، به کار برد. مهم تر این که مسلمانانی را که در جهاد شرکت نکنند کافر قلمداد کرد. از نظر وی کسانی که از قانون اسلام سر باز زنند، کافر هستند، حتی اگر شهادتین را نیز گفته باشند و باید با آنها جنگید. 20. مخالفت وی با اغلب فقهای آن زمان باعث شد تا نظریات وی شالوده ای برای بحث های اسلام گرایی رادیکال معاصر شود. 21.

## 3. جهاد در عصر حاضر

جنبش های اصلاح طلب مسلمانان در خاورمیانه برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم و در پاسخ به امپریالیسم اروپایی ظهور کرد. پایان عصر استعمار و کسب استقلال توسط اکثر کشورهای اسلامی بعد از جنگ جهانی دوم شتاب بیشتری به این جنبش ها بخشید. تغییرات گسترده اجتماعی و به وجود آمدن ایده هایی از قبیل ناسیونالیسم، سوسیالیسم و حقوق زنان، روش های سنتی زندگی در این جوامع را با چالشی جدی مواجه ساخت. سرخوردگی جوامع اسلامی از زندگی در دوره مدرن در دهه 1970 بیشتر شد. این عوامل باعث شدند تا ضرورت به وجود آمدن مدلی بومی برای مسلمانان و طرد تمدن غربی احساس شود. سی سال آخر قرن بیستم شاهد گسترش گروه های نظامی و مذهبی بود که ایدئولوژی آنها خواستار جهاد برای به وجود آوردن جامعه ای بر اساس شریعت اسلامی و پاک کردن حکام غیر مشروع و غیر

اسلامی بود. 22

ابوالاعلی مودودی (1979 - 1903م) اولین شخصی است که به صورت روش مندانه ای به واژه جهاد پرداخت و آن را وارد ادبیات سیاسی معاصر کرد. 23 به نظر وی اسلام یک ایدئولوژی انقلابی می باشد که به دنبال برپایی نظم اجتماعی در کل جهان و بازسازی آن بر پایه اصول و ایده ال های خود است. هیچ شکی وجود ندارد که همه پیامبران خدا رهبرانی انقلابی بوده اند و خاتم الانبیا، محمد صلی الله علیه و آله بزرگ ترین رهبر انقلابی بوده است. 24 مودودی جهاد را به منزله نبردی انقلابی برای اجرای دستورات خداوند بر روی زمین تشریح می کند. این نبرد به سبب خواسته های خود شخص نیست بلکه برای به دست آوردن رضایت خداوند می باشد؛ هدف جایگزینی «سزار به جای سزار» نیست بلکه استقرار عدالت و برابری اجتماعی در بین بشریت است که در این راه مسلمانان باید همه دارایی های خود و حتی زندگی خود را صرف کنند. از نظر وی وظیفه مؤمنان واقعی این است که ظلم و ستم، سختی و قوانین ناعادلانه را از روی زمین بردارند. 25 نوشته های او در اشخاص دیگری از جمله حسن البناء و سید قطب تأثیر کرد و در خاورمیانه و علیه اسرائیل و صهیونیسم به کار گرفته شد. ایدئولوگ های اسلامی خاورمیانه، جهاد را قانونی کردند و آن را وظیفه ای فردی برای هر فرد اعلام کردند. 26 متفکر اسلام گرای رادیکال مصری، سید قطب (1966 - 1906م) دومین شخصی است که به صورت مبسوطی واژه جهاد را بررسی کرده و آن را وارد ادبیات گروه های نظامی اسلام گرا کرد. از نظر وی اسلام جنبشی آزادی بخش است که برای نجات انسان ها و آزادی بشریت آمده است: 27

اسلام یا هست یا نیست. اگر هست که اسلام، مبارزه و جهاد پی گیر و دامنه دار و سپس شهادت در راه خدا و در راه حق و عدالت و مساوات است و اگر نیست نشانه اش آن است که همه به ورد و ذکر مشغول اند و به تسییح و سجاده چسبیده اند و صبح و شام منتظرند که خود به خود از آسمان، خیر و برکت و آزادی و عدالت بیارند. 28

از نظر وی مسلمانان واقعی آنهایی هستند که «در راه اعتلا و برتری کلمه حق - نام خدا - به جهاد مشغول اند. 29

به اعتقاد سید قطب جنگ هایی که از راه تعصب نژادی، تعصبات خشک دینی، طمع ها و منافع مادی و نیز از راه جاه و شهرت طلبی پادشاهان و قهرمانان و یا علاقه به تحصیل غنائم به وجود آید، مورد پذیرش اسلام نیست. 30 در واقع تنها جنگی را که اسلام مشروع دانسته و به آن اعتراف می کند جنگ در راه خدا و برای عدالت اجتماعی است. قطب با روایتی از پیامبر مبنی بر این که «آن که برای اعتلای کلمه خدا مبارزه می کند، در طریق خداست، «کلمه خدا را به اراده خدا تعبیر می کند که» عبارت از آن حقیقتی است که با ناموس و سنت خلل ناپذیری که برای جهان آفرینش و انسان قرار داده شده، موافقت دارد.» بنابراین اگر کسی ظلم و ستم کند و از عدالت دوری گزیند، در واقع با کلمه خدا مخالفت کرده است و بر مسلمان ها لازم است که با چنین شخصی برای اعتلای کلمه توحید بجنگند و آنهایی که علیه دیانت سر ستیز برداشته اند به سوی حق بازگردانند.» به عبارت دیگر «بر مسلمان ها واجب است که علیه آنها شمشیر بکشند تا بار دیگر آنها را تحت لوای عدالت مطلقه اسلام در آورند.» از نظر سید قطب «عدالت مطلقه و جلوگیری از ظلم و بیدادگری، همان کلمه خدا است که لازم است در هر حال و در هر جا، از همه چیز برتر و بالاتر [باشد].» 31

سید قطب در کتاب معالم فی الطريق (نشانه های راه) و در ابتدای فصل چهارم، تحت عنوان «جهاد فی سبیل الله» به نقل قولی از ابن قیم در مورد جهاد می پردازد و خود نیز آن را تأیید می کند. وی به نقل از ابن قیم مدعی می شود که پیامبر اسلام بعد از کسب رسالت، در وهله

اول مأموریت می یابد که با دعوت از نزدیک ترین افراد خود شروع کند و سپس همه ملت عرب را دعوت کند. ایشان بعد از هجرت به مدینه و تشکیل دولت دستور می یابد که در کنار دعوت، از جنگ نیز استفاده کند، منتها تنها با کسانی که با وی جنگ می کنند. بعد از طی این مراحل و استقرار کامل اسلام، خداوند دستور می دهد که تا استقرار نهایی دین، با تمام مشرکین بجنگد. بنابراین طبق نظر ابن قیم و به تبعیت از او سید قطب، مسلمانان ابتدا از جنگ بازداشته شدند؛ سپس اجازه یافتند که جنگ کنند؛ بعد دستور یافتند که علیه مهاجمان بجنگند و در نهایت دستور یافتند که علیه تمامی مشرکان وارد جنگ شوند. 32

از نظر سید قطب علل جهاد را باید با توجه به ماهیت اسلام و رسالت پیامبر بررسی کرد. از دیدگاه وی اسلام اعلامیه ای جهانی برای آزادی بشریت از هرگونه بندگی - بندگی دیگران و بندگی نفس - می باشد و نشان دهنده این است که «حاکمیت مختص خداوند است و او پادشاه همه چیز در جهان است.» قطب اسلام را چالشی برای همه سیستم های موجود در جهان می داند که بر اساس حاکمیت انسان بنا شده اند. استقرار حکومت خداوند بدین معنا است که قوانین وی جاری شده و همه تصمیمات بر اساس این قوانین اتخاذ شود. بنابراین «برقراری حکومت خداوند بر روی زمین و سلب حاکمیت از کسانی که بر جای خداوند نشسته اند و قوانین ساخته دست بشر را با قوانین الهی جایگزین کرده اند، تنها با استفاده از موعظه امکان پذیر نخواهد بود.» به نظر قطب افرادی که در جایگاه خداوند قرار گرفته اند به این راحتی حاضر نخواهند شد که قدرت را از دست دهند. قطب، اسلام را دینی تئوریک و فلسفی نمی داند بلکه معتقد است که:

دینی می باشد عملی و باید به مورد اجرا گذاشته شود و این هدف، میسر نخواهد شد مگر این که موعظه و جنبش در کنار هم استفاده شوند. 33

سید قطب با کنار هم گذاشتن اصطلاحات «موعظه» و «جنبش» به تبلیغ اسلام از طریق «شمشیر» و «کتاب» می پردازد و هر دو را لازم و ملزوم یک دیگر قرار می دهد. از نظر وی «هر یک از این ابزار؛ یعنی شمشیر و کتاب جایگاه و کاربرد خاص خود را در تاریخ اسلام داشته اند؛ شمشیر برای به انقیاد در آوردن سرزمین های غیر اسلامی و مشرکین داخلی به کار گرفته شده است و کتاب برای به اسلام آوردن مسیحیان و یهودیانی که به زور وادار به گرویدن به اسلام نمی شدند.» 34

قطب در انتقاد از کسانی که جهاد در اسلام را تنها دفاعی می دانند، آنها را شرق شناسانی (orientalist) می داند که می خواهند ماهیت و هدف اسلام را تغییر دهند. به نظر وی «چون هدف اسلام، آزادی بشریت است پس نمی تواند جنبشی تدافعی و یا جهاد تدافعی قلمداد شود.» وقتی که اسلام اعلام موجودیت کرد، دنیا پر از سیستم های مختلف بود، امروز نیز که در عصر جاهلیت به سر می بریم سیستم های زیادی در دنیا وجود دارند»، پس همان طور که در آن زمان اسلام تنها و بهترین گزینه ای بود که از سوی خداوند ارائه شد، امروز نیز برای نجات بشریت باید اسلام را اجرا کنیم. از نظر وی کسانی که جهاد را صرفاً برای دفاع از سرزمین اسلام می دانند، هدف اسلام را فراموش کرده و در اصل ارزش اسلام را پایین تر از سرزمین های اسلامی قرار می دهند. وی جهاد با نفس را نیز که از سوی عده ای بزرگ تر از جهاد دفاعی و بعد از آن می دانند، مقدم بر جهاد با کفار دانسته و معتقد است که مسلمانان تنها در صورتی قادر خواهند بود با کفار بجنگند که به خلوص نیت و ایمان واقعی رسیده باشند. 35

از نظر سید قطب، صلح در اسلام زمانی می تواند معنا داشته باشد که مردم تنها از خدا اطاعت کنند و مجبور به اطاعت از دیگران نشوند. 36 «صلحی که اسلام می خواهد، نسبت به

آن معنایی که اکنون در میان دولت‌ها متعارف است، فرق داشته و صلح اسلامی دارای معنای عمیق‌تر و وسیع‌تری خواهد بود و آن معنا عبارت است از: هم زیستی و صلح که نام خدا را که عبارت از «عدالت اجتماعی و امنیت عمومی برای مردم» است، روی کره زمین برقرار سازد، نه صرف خودداری از جنگ، به هر قیمتی که تمام شود... حتی، در حالی که اهریمن ظلم و فساد، بال و پرش را روی مردم گسترده باشد!!» 37

در پایان سید قطب با ذکر آیه‌های متعددی از قرآن کریم 38 دلایل جهاد در اسلام را چنین برمی‌شمارد: اول، استقرار حاکمیت خداوند؛ دوم، رسیدگی و مرتب کردن مسائل بشریت با توجه به راهنمایی واقعی که خداوند فراهم کرده است؛ سوم، طرد همه نیروهای شیطانی و سیستم‌های شیطانی از زندگی؛ و چهارم، پایان دادن به حکومت یک انسان و سایرین، چرا که همه انسان‌ها مخلوق خداوند می‌باشند و هیچ کس حق ندارد دیگری را برده خود ساخته و یا آنها را وادار کند که از قوانین وی اطاعت کنند. 39

#### 4. گروه‌های نظامی اسلام‌گرا و جهاد

اولین گروهی که آشکارا از جهاد علیه حاکم ظالم استفاده کرد، گروه جهاد اسلامی مصر می‌باشد که یکی از اعضای آن (خالد اسلامبولی) در سال 1981 رئیس جمهور مصر، انور سادات، را ترور کرد. رهبر این گروه، عبدالسلام فرج، مهندس الکترونیک بود که جزوه‌ای به نام «الفریضه الغایبه» (واجب مکتوم) از وی باقی مانده است. 40 وی جهاد را تنها نبرد مقدس لازم در جنگ علیه حاکم ظالم معرفی می‌کند که به زعم وی علما سعی در پنهان کردن آن دارند. «جهاد در راه خدا فریضه‌ای است که توسط علمای مصر به فراموشی سپرده شده است. با این وجود این اشخاص بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که تنها راه بازگشت به گذشته باشکوه اسلام و احیای دوباره آن، استفاده از جهاد می‌باشد. در حالی که خداوند بهترین راه را برای خود نشان داده است، ولی مسلمانان هر یک راه خود را رفته و فلسفه مخصوص به خود را در مورد بهترین راه دارا می‌باشند. هیچ شکی وجود ندارد که تنها راه از بین بردن بت‌های این جهان استفاده از شمشیر می‌باشد.» 41

عبدالسلام فرج با ذکر سؤالی بدین مضمون که آیا در سرزمین اسلامی زندگی می‌کنیم؟ به ذکر روایتی از ابوحنیفه می‌پردازد که طبق آن سرزمین اسلامی در صورتی که یکی از شرایط زیر را داشته باشد، سرزمین کفار محسوب می‌شود:

اول این که سرزمین اسلام توسط قوانینی غیر از قوانین اسلام اداره شود؛ دوم این که در سرزمینی که ساکنان آن مسلمان هستند، امنیت وجود نداشته باشد و سوم این که موجودیت سرزمین اسلامی به خطر بیفتد و یا با چالش جدی مواجه شود. در ادامه وی نتیجه می‌گیرد که سرزمین مصر نیز با وجودی که قسمت اعظم ساکنان آن مسلمان هستند، اما چون توسط قوانین غیر اسلامی اداره می‌شود، پس سرزمین کفار به حساب می‌آید. 42

به اعتقاد فرج، حاکمان کنونی کشورهای اسلامی از دین برگشته و مرتد شده‌اند. آنها در راستای امپریالیسم به کمونیست و یا صهیونیست تبدیل شده‌اند. آنها به هیچ چیزی از اسلام معتقد نیستند. اما اسامی، افتخارات و ادعاهایشان سرشار از اسامی اسلامی می‌باشد. در واقع آنها تنها برای بهتر حکومت کردن از اسامی خداوند استفاده می‌کنند. فرج به تبعیت از ابوحنیفه، مالک و ابن حنبل اعلام می‌دارد که مجازات کسانی که مرتد شده‌اند از مجازات کسانی که از اول کافر شده‌اند، سنگین‌تر است. در نتیجه طبق اجماع عموم علمای اسلامی با مرتدین حتی اگر قادر به حمل اسلحه نیز نباشند، باید جنگید و آن‌ها را از بین برد. 43

عبدالسلام فرج به نقل از ابن تیمیه، حاکمان امروزی جوامع اسلامی را با مغول‌ها یکی دانسته

و معتقد است که همان طور که «قانون یاسای مغول» بر خلاف شریعت خداوند بود، قوانین امروزی کشورهای از قبیل مصر که از غرب وارد شده اند، بر خلاف شریعت اسلام می باشد. مغول ها برای غلبه بر سوریه، به دروغ مدعی شده بودند که مسلمان شده اند؛ ادعای حاکمان امروزی کشورهای اسلامی نیز در مسلمان بودن دروغی بیش نیست. همانند حاکمان مغول، هیچ کدام از رهبران کشورهای اسلامی برگزار شغائر اسلامی و عمل به آنها را بلد نیستند. حاکمان مغول زیر پرچم چنگیزخان می جنگیدند و به کفار مقامات بالایی اعطا می کردند و این در حالی است که حاکمان کنونی نیز مقامات بالای کشوری را به مسیحیان و یهودیان اعطا می کنند و بنابراین باید علیه حاکمان کشورهای اسلامی دست به جهاد زد. 44

از دیدگاه فرج با وجودی که میدان مبارزه و جهاد امروزی مسلمانان باید آزادسازی اورشلیم باشد، ولی توجه به نکاتی برای انتخاب میدان مبارزه ضروری می باشد:

اول این که نبرد با دشمنی که نزدیک تر است از نبرد بادشمنی که دورتر است، واجب تر می باشد؛ دوم این که برای رسیدن به این پیروزی ها باید مسلمانان خون خود را اهدا کنند و جنگ باید تنها زیر پرچم اسلام و تحت رهبری اسلام باشد و سوم این که پایه های موجودیت امپریالیسم در سرزمین های اسلامی، وجود رهبران فعلی کشورهای اسلامی است.» هیچ تردیدی وجود ندارد که نقطه آغازین ما برای حرکت باید سرنگونی حاکمان فاسد باشد، چرا که تنها در این صورت است که می توانیم حاکمیت خداوند را مستقر سازیم. 45

از نظر فرج در صورتی که یکی از سه شرط زیر وجود داشته باشد، جهاد وظیفه انفرادی همه مسلمانان خواهد بود. اولاً، زمانی که دو ارتش رودرروی یک دیگر قرار گیرند، هیچ کس حق ندارد صحنه نبرد را ترک کند و باید ثابت قدم ماند و به نبرد ادامه داد؛ ثانیاً، زمانی که کافران سرزمین اسلامی را مورد تهاجم قرار دهند، وظیفه تک تک مسلمانان است که با آنها جنگیده و از سرزمین اسلامی اخراج کنند و ثالثاً، زمانی که امام و رهبر مسلمین آنها را دعوت به جهاد کند، وظیفه همه مسلمانان است که به دعوت وی لبیک گویند. «بنابراین زمانی که جهاد وظیفه همه مسلمانان است دیگر لزومی ندارد که از والدین خود اجازه بگیرند و همان طور که علمای ما اعلام کرده اند، در چنین وضعیتی جهاد فریضه ای مثل نماز و روزه خواهد بود.» 46 وی با ذکر این که اسلام به زور شمشیر گسترش یافته، جهاد دفاعی را قبول نمی کند و اعلام می دارد که جهاد در اسلام تا روز قیامت ادامه خواهد داشت و هیچ وقت قطع نمی شود. «در صورتی که مسلمانان این فریضه را به فراموشی بسپارند، روز به روز ضعیف تر خواهند شد و در نتیجه نمی توانند به فریضه خود عمل کنند.» 47

با وجودی که جزوه عبدالسلام فرج برنامه ای عملی برای استقرار حکومت اسلامی ارائه می داد و در جای جای اثر خود از ابن تیمیه نقل قول می کند، اما تقریباً تمام ناظران مصر مشروعیت استفاده وی از فتوای ابن تیمیه را قبول نکردند. از نظر آنها عبدالسلام فرج که شیخ کوشک او را «یک متفکر تازه به دوران رسیده» می نامید، هیچ اطلاعی از ماهیت سخنانی که از ابن تیمیه نقل می کرد، نداشته است. آنها بر این باور بوده اند که متن های استفاده شده توسط فرج «آن قدر معتبر نیستند که بتوان بر اساس آنها جامعه یا حکومت مصر معاصر را توصیف کرد.» 48 به هر حال واجب مکتوم، مشروعیت های لازم را برای گروه های نظامی منطقه فراهم کرد. از نظر این گروه ها دولت های منطقه اسلامی نیستند، چرا که قوانین آنها را ترکیبی از قوانین اسلامی و قوانین اروپایی می دانستند.

یکی از حوادثی که تأثیر زیادی در رادیکال تر شدن جهاد داشته است، اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر 1979 بود. این حادثه باعث شد تا علمای اسلامی علیه شوروی اعلام جهاد کرده و آن را به منزله حمله به دارالاسلام در نظر گیرند. در نتیجه چنین



تفسیری آنها قادر شدند که طبق شریعت اسلامی علیه اشغال اعلام جهاد دفاعی نمایند که در این صورت وظیفه همه مسلمانان شرکت در آن می باشد. 49 در واقع جنگ در افغانستان، هم دولت ها (از جمله عربستان سعودی) و هم گروه های منفرد را به سوی تمرکز مشروعیت های مذهبی جنگ رهنمون ساخت، تا بدین وسیله بتوانند به راحتی از مسلمانان داوطلب برای اخراج شوروی ها حمایت به عمل آورند. 50

عبدالله عزام از جمله افرادی بود که بلافاصله بعد از حمله شوروی، تدریس در دانشگاه ملک عبدالعزیز عربستان را رها کرده و برای کمک و آموزش به مجاهدین به پاکستان مهاجرت کرد. وی در سال 1985 به کمک سازمان های هلال احمر کویت و عربستان سعودی، سازمان «مکتب الخدمت للمجاهدین العرب» (Mak) را با همکاری اسامه بن لادن و برای سازمان دهی کمک های انسان دوستانه به مجاهدین افغانی تأسیس کرد. این سازمان سالانه حدود 600 میلیون دلار برای کمک به مقاومت افغان ها دریافت می کرد. عزام رهبر و موعظه گر کاریزماتیک و اصلی ترین ایدئولوگ «عرب - افغان ها» و استاد اسامه بن لادن در دانشگاه بود. وی متفکری به معنای واقعی کلمه مثل قطب، مودودی و یا الیناء نبود، بلکه سخنرانی چیره دست بود که از ابن تیمیه، قرآن و حدیث نقل قول می کرد، اما راجع به فلسطین و افغانستان صحبت می کرد. 51

عبدالله عزام در سال 1941 در جنین متولد شد. بعد از اتمام تحصیلاتش به اردن و سپس سوریه رفته و از دانشگاه دمشق دکترای حقوق اسلامی گرفت. در اواخر دهه 1960 به مصر رفته و در دانشگاه الازهر تحصیلات تکمیلی خود را به پایان رساند و در سال 1973 به عربستان سعودی رفته و در دانشگاه جدید التأسیس جده به تدریس مشغول شد. عزام جزء اولین اشخاصی است که برای شرکت در جهاد علیه شوروی و برای اشاعه افکار خود به افغانستان رفت. وی پس از رسیدن به پاکستان ابتدا در دانشگاه اسلام آباد به تدریس پرداخت، اما خیلی زود آن جا را رها کرده و برای کمک به مجاهدین افغانی راهی پیشاور شد. در طول فعالیت هایش به این نتیجه می رسد که تنها راه موفقیت در استقرار جامعه اسلامی، جهاد علیه دشمنان اسلام است. عزام به یکی از رهبران برجسته جهاد تبدیل شد و کتاب های متعددی در این زمینه نوشت که در آنها عقاید و جهان بینی خود را درباره جهاد و آینده اسلام شرح می دهد. وی در بیست و چهارم نوامبر 1989 به همراه دو پسرش و در راه رفتن به نماز جمعه در پیشاور پاکستان ترور شد. 52

فراخوانی مسلمانان جهان به جهاد در افغانستان و اعلام این که جهاد وظیفه فردی همه مسلمانان است، موضوع اصلی دو کتاب مهم عبدالله عزام به نام های دفاع از سرزمین های اسلامی و الحاق به کاروان می باشد. وی دلایل جهاد را در شانزده بند ذکر می کند: 53

1. جلوگیری از تسلط کافران بر مسلمانان؛
2. کمبود مسلمانانی که جان خود را در راه اسلام فدا می کنند؛
3. ترس از آتش جهنم؛
4. عمل به فریضه جهاد و پاسخ به دعوت خداوند؛
5. ادامه دادن راه سلف صالح؛
6. استقرار جامعه ای اسلامی؛
7. محافظت از مستضعفین روی زمین؛
8. شهید شدن و کسب مقام والا در بهشت؛
9. جهاد سپری در مقابل امت است و از بی حرمت شدن آنها جلوگیری می کند؛
10. حفاظت از عزت امت و نقش بر آب کردن توطئه های دشمن؛

11. حفاظت از سرزمین اسلام و جلوگیری از فاسد شدن آن؛
12. ایجاد امنیت برای مکان های مقدس مسلمانان؛
13. حفاظت از امت در مقابل شکنجه و آوارگی؛
14. سعادت امت و افزایش ثروت آنها؛
15. جهاد اوج همه چیز در اسلام است؛
16. جهاد بهترین شکل عبادت در دین اسلام است و مسلمانان به وسیله آن می توانند به بالاترین درجات برسند.

عبدالله عزام به نقل از ابن تیمیه اولین وظیفه مسلمانان بعد از ایمان را جهاد و دفاع از سرزمین های اسلامی می داند. به نظر وی این فریضه مهم ترین وظیفه ای است که در عصر حاضر توسط مسلمانان به دست فراموشی سپرده شده است و علت اصلی وضعیت فلاکت بار مسلمانان، عمل نکردن به جهاد می باشد. از نظر وی جهاد علیه کفار دو نوع می باشد: جهاد تهاجمی زمانی است که دشمن از سرزمین خود دست به حمله زند. در چنین حالتی بر مسلمانان واجب کفایی است که در این جهاد شرکت کنند و وظیفه اصلی متوجه امام مسلمین است که ارتشی تدارک دیده و به جنگ آنها بفرستد و آنها را مجبور به پرداخت جزیه کند، در غیر این صورت این امام است که مرتکب گناه شده است. نوع دوم جهاد تدافعی می باشد که در آن بر همه مسلمانان، واجب عینی (وظیفه انفرادی همه مسلمانان) است که در جهاد شرکت کنند و کفار را از سرزمین اسلام خارج سازند. این نوع جهاد مهم ترین وظیفه مسلمانان بوده و تحت شرایط زیر الزامی می شود:

اول، اگر کفار وارد سرزمین اسلام شده باشند؛ دوم، اگر خطوط نیروها در میدان نبرد رودروی یک دیگر قرار گرفته و به هم دیگر نزدیک شوند؛ سوم، زمانی که امام امت دعوت کند آنها باید به فتوای وی پاسخ داده و اطاعت کنند؛ و چهارم، اگر کفار گروهی از مسلمانان را دستگیر کرده و زندانی کنند. 54 عزام به نقل از ابن تیمیه خاطرنشان می کند که اگر دشمن وارد سرزمین های اسلامی شود بر مسلمانان واجب عینی است که در جهاد علیه دشمنان شرکت کنند. این وظیفه در وهله اول متوجه نزدیک ترین فرد به صحنه نبرد است و بعد از وی به نفرات بعد و به همین ترتیب تا آخرین نفر از مسلمانان جهان منتقل می شود. در چنین شرایطی اجازه گرفتن از والدین و یا دیگران برای شرکت در جهاد ضرورتی ندارد. 55 به فراموشی سپردن جهاد شبیه ترک نماز و روزه و شاید هم بدتر از آنها باشد و ابن رشد می فرماید: «مسلماً زمانی که جهاد واجب عینی شد، دقیقاً عین حج واجب می شود». 56

عبدالله عزام روایت معروفی را که از سوی علمای شیعه نیز مورد تأیید است و مدعی است که جهاد با نفس بزرگ تر از جهاد با دشمن است را رد کرده و معتقد است که این حدیث جعلی می باشد و هیچ پایه معتبری ندارد. به نظر وی اگر جامعه اسلامی در جهاد برای آزادسازی سرزمین های اسلامی شرکت نکند و حتی اگر یک قطعه از این سرزمین نیز دست دشمن باقی بماند، این جامعه گناه کار خواهد بود. 57 به نظر وی در نبرد با دشمنان اسلامی باید اختلافات کوچک داخلی کنار گذاشته شوند و به دشمن و مشکل اصلی پرداخته شود. 58 اندیشه های عبدالله عزام در تئوری پردازی برای سازمان های جهادی جدید نقش بسزایی داشته است. نوشته های او تبدیل به مانیفستی برای جنگ جویان مسلمانی شد که می خواهند جهاد جهانی علیه غرب به راه انداخته و «دولت های دست نشانده» (Poppet government) خاورمیانه را براندازند. 59 علاوه بر این عبدالله عزام که از او به عنوان طراح و ایدئولوگ اصلی القاعده نیز یاد می شود، 60 متفکری است که بیشترین تأثیر را در شکل گیری دیدگاه های بن لادن داشته است و برای سال ها راهنمای فکری بن لادن بوده است. 61

مروری بر بحث های ذکر شده نشان می دهد که اعمال و اندیشه های عبدالله عزام ثمرات مهمی را برای گروه های جهادی اسلامی به ارمغان آورده است: اول این که، سازمانی بین المللی به منظور یارگیری از میان داوطلبانی از سراسر دنیای اسلام برای جهاد در افغانستان به وجود آمد؛ دوم این که، شبکه بین المللی سلول های ترور به وجود آمد که توسط جنبش های رادیکال اسلامی سراسر دنیا حمایت می شدند و سوم این که، پیروزی مجاهدین در افغانستان هاله ای از شجاعت در اطراف جنگ جویان مسلمان به وجود آورد که دارای تجربیات گران بهایی بودند. این جنگ جویان در همه نبردهای بعدی اسلام گراهای رادیکال و دشمنانشان، به منزله پیش آهنگ (Vanguard) عمل می کردند. 62

## 5. القاعده و جهاد بین المللی

قبل از حملات 11 سپتامبر، اسامه بن لادن اهداف، علل نارضایتی ها و تاکتیک های شبکه بین المللی القاعده را به طور مبسوطی، در اعلامیه ها و مصاحبه های مختلفی اعلام کرده بود. مروری بر این اعلامیه ها نشان می دهد که ایدئولوژی القاعده بیشتر از آن که مذهبی باشد، سیاسی است. هم صدا با تئوری هانتینگتون تحت عنوان «برخورد تمدن ها»، بن لادن نیز ویژگی های جنگ خود را «جنگ صلیبی آمریکا علیه ملل اسلامی» نام گذاری کرد و تأکید کرد که به اعتقاد وی درگیری بین جهان اسلام و آمریکا و متحدانش می باشد. از نظر وی جهان اسلام باید به خودباوری و اتحاد برسد و مسلمانان باید از خود دفاع کنند. در مورد سیاست های داخلی نیز به مسلمانان توصیه می کند که به دنبال رهبری باشند که از سویی آنها را متحد کرده و از سوی دیگر به دنبال استقرار خلافت باشد. 63

دو اعلامیه جهاد علیه آمریکا وجود دارد که هسته مرکزی فلسفه اسامه بن لادن را تشکیل می دهند. اولین اعلامیه در 26 اگوست 1996 و تحت عنوان «اعلامیه جهادی علیه آمریکا که سرزمین دو مکان مقدس را اشغال کرده است»، صادر شد. در این اعلامیه بن لادن با برشمردن مشکلات جهان اسلام معتقد است که رژیم عربستان سعودی به دو دلیل مشروعیت خود را از دست داده است: اول این که شریعت اسلامی را کنار گذاشته است و دوم این که به نیروهای خارجی؛ یعنی صلیبی های آمریکایی اجازه داده است تا کشور را اشغال کنند. بن لادن نیز همانند عزام معتقد است که برای نبرد با دشمن خارجی باید اختلافات داخلی کنار گذاشته شوند. از نظر وی آمریکا دو شهر مقدس مکه و مدینه را اشغال کرده است و وظیفه همه مسلمانان جهان است که «علیه کفار جنگیده و آنها را از شبه جزیره عربستان اخراج کنند.» بن لادن همنوا با ابن تیمیه اولین وظیفه اصلی مسلمانان بعد از ایمان آوردن را جهاد می داند. وی جهاد را تهاجمی و برای تثبیت حاکمیت خداوند بر روی زمین دانسته و آن را جنگ مقدسی می داند که مشروعیت دارد؛ «اگر بیش از یک وظیفه برای انجام دادن باشد، پس باید با اهمیت ترین آنها در اولویت قرار گیرد. بعد از ایمان واقعی وظیفه با اهمیت تری از بیرون راندن دشمن آمریکایی از سرزمین مقدس نمی باشد. هیچ اولویت دیگری، به غیر از ایمان، نباید قبل از آن در نظر گرفته شود و هیچ شرطی برای این وظیفه وجود ندارد... اگر امکان بیرون راندن دشمن به غیر از جنبش های گروهی مسلمانان نباشد، پس وظیفه مسلمانان است که اختلافات ناچیز بین خودشان را کنار بگذارند، ابن تیمیه نیز این مسئله را توضیح می دهد و تأکید می کند که در مقابل تهدید اصلی باید اختلافات جزئی کنار گذاشته شوند.» 64

دومین فتوا در 23 فوریه 1998 و تحت عنوان «جبهه جهانی اسلامی برای جهاد علیه یهودیان و نصرانیان» صادر شد. در این اعلامیه که وی به همراه گروه های تندرویی از مصر، پاکستان و بنگلادش هم صدا شده و جبهه ای تشکیل داده اند، بر جنگ علیه آمریکایی ها و متحدانشان

که به زعم آنها علیه خداوند، پیامبرش و مسلمانان اعلام جنگ کرده اند، تأکید می کنند. طبق این فتوا جرایم و گناهان ایالات متحده در سه حوزه قابل تفکیک است که به نظر بن لادن سه حقیقت مسلمی است که هیچ کس نمی تواند آنها را انکار کند: اول این که سالیان متمادی است که ایالات متحده مقدس ترین سرزمین های اسلام، یعنی شبه جزیره عربستان را اشغال کرده است و هنوز هم به اشغال خود ادامه می دهد. در این مدت ثروت این سرزمین را به یغما برده، حاکمانش را کنترل می کند و مردمانش را تحقیر می کند؛ دوم این که ایالات متحده تحریم علیه مردم عراق را تحمیل کرده است که در نتیجه آن بالغ بر یک میلیون نفر کشته شده اند؛ سوم این که هدف اصلی ایالات متحده حمایت از دولت یهودی و منحرف کردن افکار عمومی از اشغال اورشلیم و قتل عام مسلمانان آن جا می باشد. بنابراین تنها پاسخ مناسبی که مسلمانان می توانند به این جنایات بدهند، جهاد دفاعی می باشد که واجب عینی بوده و وظیفه تک تک مسلمانان می باشد. 65

اسامه بن لادن در مورد اعلام جهاد علیه نصرانیان و یهودیان، به ویژه آمریکایی ها به خبرنگار شبکه الجزیره چنین می گوید:

مسلمانانی که می گویند اکنون زمان جهاد نیست، سخت در اشتباهند. مدت زمان طولانی است که امت مسلمان جهاد را به فراموشی سپرده اند... اما خداوند دوباره شانس جهاد را در افغانستان، چین و بوسنی و هرزگوین ارزانی داشت و وظیفه ماست که علیه دشمنان اسلام و به ویژه دشمن خارجی، یعنی اتحاد نصرانی - یهودی اعلام جهاد کنیم. جهاد در افغانستان ضعیف بودن ابرقدرت ها را ثابت کرد. آمریکا از روسیه نیز ضعیف تر است و برادران ما که در سومالی می جنگند، ضعیف و ترسو بودن سربازان آمریکایی را گواهی می دهند. وقتی که هشت نفر از آنها کشته می شوند، در تاریکی شب عقب نشینی کرده و بدون این که به پشت سر خود نگاه کنند، از آن جا خارج می شوند. 66

در واقع وی اهداف خود را بیداری ملت مسلمان و آزادی سرزمین های اسلامی، جنگیدن در راه خدا و پیاده کردن شریعت خداوند می داند، چرا که معتقد است سخن خداوند بالاترین سخنان می باشد. 67

ایمن الظواهری رهبر جهاد اسلامی مصر و نفر دوم سازمان القاعده که یکی از امضا کنندگان اعلامیه 1998 می باشد، هدف جنبش بنیادگرایی را سرنگونی دولت و استقرار حاکمیت خداوند می داند. از نظر وی درگیری با اتحاد یهودی آمریکایی، غیر قابل اجتناب بوده و آن را سرنوشت و وظیفه خود می داند. الظواهری در مورد پیش گامی در توقف عملیات نظامی با ذکر دو روایت به این سخن می رسد که مرگ بهتر از عقب نشینی است. وی با یاد کردن از سید قطب به منزله برجسته ترین تئوری پرداز جنبش های بنیادگرا از زبان وی چنین نقل می کند: «برادر، به سمت جلو حرکت کن. سرت را به راست یا چپ نچرخان و تنها به بهشت نگاه کن.» در ادامه وی به انتقادهای بعضی از اعضای سازمان در رابطه با ادامه عملیات های نظامی پاسخ داده و اظهار می دارد که با مراجعه به تفسیرهای رایج از شریعت، برای او مسجل شده که سخن خداوند بیشتر از علاقه این افراد برایش عزیز است. 68

## 6. دلایل شرعی القاعده برای حملات 11 سپتامبر

سازمان القاعده در 24 آوریل 2002 اعلامیه ای درباره «حکم قهرمانان و مشروعیت عملیات های ایشان در نیویورک و واشنگتن» صادر کرد که در آن به توضیح دلایل شرعی حملات 11 سپتامبر پرداخته است. این اعلامیه از خداوند به سبب موفقیت گروهی از جوانان با ایمان در پایان دادن عملیات تشکر کرده و آن را نشانه ای از عظمت و برتری خداوند می داند؛ خدایی که باعث شد

تا اینها خون صلیبیون را بنوشند، چرا که آنها «دهه ها و دهه ها» خون اینها را به شیشه کشیده بودند. «جوانانی که دست به این عملیات زدند، به سبب ثروت زمینی، شهرت و علائق زودگذر این کارها را انجام نداده اند، بلکه در دفاع از مذهب خداوند متعال و مسلمانان در مقابل دستان آمریکایی که به وسیله ای سعی در شکنجه کردن و تسلط بر اینان است، جان خود را قربانی کرده اند.» 69

سازمان القاعده در جواب به این شبهه که شاید صدور اعلامیه منجر به محکوم کردن مجاهدین شود و بهانه ای به دست دشمنان دهد تا آنها را تحت تعقیب قرار دهد، چنین پاسخ می دهد: ما می گوئیم که دشمن مستبد هیچ مدرک و مشروعیت دهنده ای برای ادامه جنگ خود علیه اسلام و مسلمانان که از دهه ها قبل شروع کرده است، ندارد. مدارک آنها برای قتل عام مردم فلسطین برای بیش از پنجاه سال چه بوده است؟ کدامین احکام، کشتار مردم عراق را که تا به حال در تاریخ سابقه نداشته است، توجیه می کند؟ چه چیزی کشتار مسلمانان بوسنی و هرزگوین را مشروع اعلام می کند و به صرب ها اجازه می دهد تا به نسل کشی مردم، بپردازند؟ گناه مردم کشمیر چیست؟ و کدامین احکام به «بندگان گاو» (Servants of Cow) اجازه می دهد تا به مدت بیش از پنجاه سال خون آنها را بریزد؟ گناه مردم چین، افغانستان و جمهوری های آسیای مرکزی چه بوده است که صلیبیون مستبد شوروی را نسبت به نابودی و آوارگی آنها متقاعد کرده است؟ روزی که آمریکا مردم افغانستان را می کشت و مسلمانان را به بند می کشید چه توجیه هایی را ارائه کرد؟ قبل از حمله و تحت پوشش سازمان ملل جبهه ای علیه آن به وجود آورد. در مورد مسلمانان تیمور شرقی نیز دست به کاری مشابه زد. علاوه بر این تحت پوشش سازمان ملل، وارد سومالی شد، دست به کشتار زد و سرزمین های اسلامی آن جا را تحت مالکیت خود درآورد... باید اعلام کنیم که مردم مسلمان که جبهه صلیبی - یهودی، در پی نابود کردن آنهاست، هیچ گناهی غیر از این ندارند که می گویند «خداوند سرور ماست». اتحاد نصرانی - یهودی، به هیچ حکمی برای جنگ علیه مسلمانان و ادامه آن، نیاز ندارند. 70

سازمان القاعده، آمریکا را سرزمین جنگ دانسته و دلیل آن را حمایت از یهودیان برای کشتار مردم فلسطین اعلام می کند. «آمریکا آن زمانی سرزمین جنگ شد که به مردم عراق، سودان و افغانستان حمله کرد. این کشور در هر مکانی و دهه ها مسلمانان را تحت فشار قرار داده است و به طور آشکاری دشمنان آنها را علیه آنها حمایت می کند.» 71

در این اعلامیه در دو مورد درباره ممنوعیت کشتن شهروندان بحث می شود: اول این که، معتقد است کسانی که در حوادث 11 سپتامبر بی گناه کشته شدند، با توجه به روایتی از پیامبر می توان آن را توجیه کرد. دوم این که، القاعده معتقد است که کشتن غیر نظامیان به طور کامل ممنوع نیست، بلکه شرایطی وجود دارند که تحت آن شرایط کشتن شهروندان مجاز می باشد. در نتیجه به بحث های کلامی پرداخته و توجیهی شرعی برای کشتن شهروندان مهیا می کند. از نظر القاعده تنها وجود یکی از شرایط زیر کشتن شهروندان غیر نظامی را مشروع می کند: 72

1. مقابله به مثل؛ القاعده برای اثبات ادعای خود آیه 194 سوره بقره را ذکر می کند «اگر کسی به شما حمله کرد، شما نیز به او حمله کنید و با روشی مشابه.» بنابراین اگر دشمن تاکتیکی را به کار برد که در اسلام ممنوع شده است، این تاکتیک ها برای مسلمانان نیز شرعی می شود. در ادامه برای متقاعد کردن خواننده به درگیری فلسطین اشاره می کند.

2. ناتوانی در تمایزگذاری بین شهروندان و جنگ جویان؛ هنگام حمله به دشمن در قلعه نظامی، تمایز بین جنگ جویان و مردم عادی دشوار است، به ویژه اگر جنگ جویان در میان مردم عادی پنهان شده باشند.

3. مشارکت شهروندان در عمل، حرف یا ذهن؛ در شرع اسلام، مشروعیت هدف جنگی توسط توانایی آن هدف در جنگ علیه مسلمانان تعیین می شود. در نتیجه، سربازان، رهبران، حمایت کنندگان و شهروندان عادی نیز در این حیطه قرار می گیرند.

4. ضرورت جنگ؛ از نظر القاعده، مرکز تجارت جهانی، دژ دشمن بود که به طور مستقیم علیه دشمنان اعلام جنگ کرده بود.

5. تسلیحات سنگین؛ القاعده با آوردن روایتی از دوران پیامبر در استفاده از منجنیق برای حمله به دشمن در حالی که با جمعیت عادی قاطی شده بودند، مشروعیت استفاده از سلاح های کشتار جمعی و حمله با هواپیما به برج ها را توجیه می کند.

6. سپرهای انسانی؛ القاعده معتقد است که اگر دشمن از زنان، بچه ها و سایر گروه ها برای محافظت از خود استفاده کند، حمله به آنها مجاز می باشد.

7. پیمان شکنی؛ آخرین شرط زمانی مهیا می شود که دشمن پیمان خود را بشکند.

سازمان القاعده در مورد کشته شدن مسلمانان شاغل در برج های دوقلو نیز دلایل شرعی می آورد. اول این که، اگر شرایط انجام عملی اضطراری باشد، آن عمل مجاز شمرده می شود، پس باید به شرایط انجام آن عمل توجه کرد. دوم این که، تصور غالب بر این بوده است که تنها کافران آن جا حضور دارند و در واقع تنها آنها مورد هدف بوده اند. بنابراین با توجه به این که تصور غالب، منطقی به نظر می رسد، پس می تواند توجیهی برای چنین عملی باشد. سوم این که، امروزه کمتر کشوری وجود دارد که مسلمان ها در آن جا نباشند. چهارم این که، پرداخت جزیه برای کشته شدگان مسلمانان رویه ای معمول است که در زمان پیامبر نیز بوده است و آخر این که، مسلمانانی که کافران را کمک و همراهی می کنند باید هدایت شوند. 73

اعلامیه 24 آوریل روش های رایج انجام وظایف مذهبی را زیر سؤال برد. در نتیجه مشروعیت روش های غیر خشونت آمیز را به طور بنیادین، مورد سؤال قرار داد. این بیانیه به سه بحث مهم دامن زد؛ اول، روش های غیر خشونت آمیز مقابله با ایالات متحده مورد تردید قرار گرفتند، بنابراین سازش مذهبی نمی توانست معقول باشد؛ دوم، ایالات متحده جنگی علیه اسلام به راه انداخته است. بنابراین خشونت، جهاد دفاعی بوده و وظیفه همه مسلمانان است و سوم، هیچ شرطی در مورد ممنوعیت کشتن شهروندان در اسلام وجود ندارد. در واقع، شهروندان را تحت شرایط خاصی که وضعیت فعلی دارا می باشد، می توان مورد هدف قرار داد. 74

در واقع القاعده بر این باور است که استفاده از خشونت، حاکمان بت پرست جوامع را از بین برده و همانند حضرت محمدصلی الله علیه وآله که عصر جدیدی از روشنایی و عدالت را بعد از فتح مکه برای بشریت به ارمغان آورد، القاعده نیز مردم را از تاریکی و جاهلیت نجات داده و به سوی نور هدایت خواهد کرد. هدف القاعده ایجاد دولتی است که بشریت را از پرتگاه سقوط که به علت طرد ارزش های اسلامی اتفاق افتاده است، بیرون بکشد و این میسر نمی شود مگر با استفاده از ارزش های اسلامی در سراسر جامعه. در نتیجه استفاده از خشونت نیز جزئی از جنگ مقدس بوده و چون برای نجات بشریت است، پس مشروعیت دارد. 75

در پایان لازم به ذکر است که هر چند جهاد از سوی بن لادن به صورت بد ارائه شده است، اما این بدان معنا نیست که جهاد در اسلام جایگاه جدی ندارد و همان طور که در ابتدای مقاله ذکر شد از نظر اسلام کل حیات انسان مستلزم نوعی جهاد است و بی گمان عمل به همه عبادات نوعی جهاد محسوب می شود.

پی نوشت ها

کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

- آیه الله حسین نوری، جهاد (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1366) ص 15.
2. سید حسین نصر، قلب اسلام، ترجمه مصطفی شهید آیینی (تهران: حقیقت، 1383) ص 314 - 315.
- Jeffrey Haynes, Understanding Contemporary Islamic militancy: the case of al-Qaeda, available at <http://www.sgir.org/conference 2004>
- and: Jeffrey Haynes, Al-qQaeda: Ideology and Action, Paper prepared for the ECPR joint session of workshop, upsala, april 2004, available at <http://www.essex.ac.uk/acpr/events/jointsessions/paperarchive/uppsala/WS3/hayness.pdf>
- Oliver Roy, The Failour of Political Islam, Trans. by Carol Volk (London: I.B.Tauris, 1994) pp.153-154
- and
- نصر، پیشین، ص 312.
1. نصر، پیشین، ص 313 - 314.
  2. آیه 190 سوره بقره و آیه 2 سوره مائده.
  3. آیه 256 سوره بقره.
  4. آیه 9 سوره ممتحنه.
  5. آیه 61 سوره انفال.
  6. آیات 90 و 94 سوره نساء.
  7. به نقل از: خالد ابوالفضل، «تساهل در اسلام»، در یوشوا کوهن و یان لیگ (ویراستاران) تساهل در اسلام، ترجمه محمدتقی دلفروز، ص 15 - 34 (تهران: کویر، 1383).
  8. نصر، پیشین، ص 316.
  9. ابوالفضل، پیشین، ص 32.
  10. نصر، پیشین، ص 319 - 320.
- Stephan Schwarts, The Two Faces of Islam: The House of Saud from Tradition to Terror, (New York: Doubleday, 2002) p. 14
- ژیل کوپل، پیامبر و فرعون؛ جنبشهای نوین اسلامی در مصر، ترجمه حمید احمدی، چاپ دوم (تهران: کیهان، 1375) ص 240.
- از جمله: آیات 2 و 216 از سوره بقره؛ آیه 39 سوره انفال؛ آیات 121، 120، 21، 20، 19، 39 سوره توبه؛ آیات 39 تا 41 از سوره حج؛ آیه 54 سوره مائده؛ آیه 15 سوره حجرات.
3. Ibn Taymiyyah, The Religious and Moral Doctrine of Jihad, available at <http://www.sullivan-county.com/z/tay.html>
1. ibid
- Emmanuel Sivan, Radical Islam: Medieval Theology and Modern Politics, (New Haven: Yale university Press, 1990) p.101
- Johanne J. G. Janson, The Neglected Duty: The Creed of Statat's Assassins and

- Islamic Resurgence in The Middle East, (New York: Mcmillan, 1986) pp.xi-xiii
- Douglas E. Streusand, What Does Jihad Mean?, Middle East Quarterly, No.4 (September 1997) p.5
- David Zeidan, The Islamic Fundamentalist view life as a Perennial Battle, Middle East Review of International Affaires, No.4, pp.26-53 (December 2001) pp.29; also available at <http://www.meria.idc.ac.il/journal/2001/issues4/zeidan.pdf>
- and: Barry and Judith Rubin, Anti-American Terrorism and the Middle East, (Oxford ; university press 2002 pp.11-26
1. .ibid, p.42
  - Rohan Gunaratna, Inside Al-Qaeda: Global Network of Terror, (New York: Columbia University Press ,University Press p. 86 (2002
  - سید قطب، اسلام و صلح جهانی، ترجمه سید هادی خسروشاهی و زین العابدین قربانی، چاپ چهارم (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1368) ص 218 - 219.
  - سید قطب، ما چه می گوئیم؟، ترجمه سید هادی خسروشاهی، چاپ بیست و دوم (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1372) ص 37 - 38.
  - همان، ص 39.
  - قطب، اسلام و صلح جهانی، ص 49 - 51.
  - همان، ص 3 - 51.
  6. :Sayed Qutb, Milestones, ch.4,available at <http://www.yongmuslims.ca/online-library/books/milestones/hold/.usp>
  - سید قطب، معالم فی الطريق، (بیروت، قاهره: 1980) ص 60 - 61، در: ژیل کوپل، پیامبر و فرعون، پیشین؛ و: Qutb, Milestones, ch.4
  - کوپل، پیشین، ص 57؛ و: مجید مرادی، «تقریر گفتمان سید قطب»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره 21، ص 195 - 216 (بهار 1382) ص 213.
  2. Qutb, Milestones, ch.4
  3. .ibid
  4. قطب، اسلام و صلح جهانی، ص 62.
  5. از جمله: آیات 74 تا 76 سوره عمران؛ آیات 38 تا 40 سوره انفال؛ آیات 29 تا 32 سوره توبه.
  6. Qutb, Milestones, ch.4
  - Gilles Kepel, Jihad: The Trail of Political Islam, Trans. by Anthony Roberts (Massachusetts: Harvard University Press, 2002) p.86
  - Abd al-Salam Faraj, Al-faridah al-Ghaibah, pp.60-61, in: Johannes J.G. Jansen, The Neglected Duty: The Creed of Sadat's Assassins and Islamic Resurgence in The Middle East, (New York:



- Mcmillan Publishing  
.Company, 1986) pp.159-235
1. .ibid, pp.166-167
  2. .ibid, p 169
  3. .ibid, pp.172-174
  4. .ibid, pp.192-193
  5. .ibid, pp.199-200
  6. ..ibid, pp.193-197
  7. کوپل، پیشین، ص 129 - 138.
  8. .Kepel, op. cit, pp.138-139
- Quin ton Wiktorowics, The New Global Threat: Trunsnational Salafis and Jihad,  
,Middle East Policy  
.Vol.VIII, No.4, pp.18-38 (December 2001) p.22
- Jason Burke, Al-Queda: Casting a Shadow of Terror, (London, New York: I. B.  
(Tauris and Co Ltd, 2003  
.p.68; and: Kepel, op. cit, pp.144-145
- Yoram Schweitzer and Shaul Shay, The Globalization of Terror: The Challenge of Al-  
Qaeda and the Response  
of the International Community, (New Brunswick (U.S.A.) and London: Transaction  
;Publishers, 2003) pp.22-23  
.and: Kepel, op.cit, pp.145-146
1. :Abdullah Azzam, Join the Caravan; Al-jihad Fesibillah, part, part, 1,available at  
.http://www.religioscope.com/info/doc/jihad/azzam-carvan-1-forward.html
  1. :Abdullah Azzam, Defense of Muslim Lands, ch.1,available at  
.http://www.inslamistwatch.org/texts/azzam/defense/ack.html
  1. .Azzam,Join the Caravan, part, 2 and 3
  2. .Azzam, Defense of Muslim Lands, ch.3
  3. .Azzam, Join the Caravan, Conclusion
  4. .Azzam, Defense of Muslim Lands, ch.4
- Tom Knowlth, Zawahiri-Not bin Laden-Is The top Target, (03-05-2003), available at  
.http://www.sullivan-county.com/z/sftt2.htm
1. .Zeidan, op.cit, p.43
- John Gray, Al-Qaeda and What It Means to Be Madern, (New York and London: the  
(new press, 2003  
.pp.78-79; and: Burke, op.cit, pp.4-5; and: Schwarts, op.cit, pp.164-165
1. .Schweitzer and Shay, op.cit, pp.23-24
- Christopher M. Blanchard, AlQaeda: Statements and Ideology (November 16, 2004)  
:available at  
.http://www.fas.org/irp/crs/RS21973.pdf
- Bin Laden, Declaration of War Against American Occupying the Land of The Two

- Holy Places  
:available at ,(26/8/1996)  
[.http://www.azzam.com/html/articlesdeclaration.html](http://www.azzam.com/html/articlesdeclaration.html)
- Osama Bin Laden, Statement: Jihad Against Jews and Crusaders, (Februry 23, 1998) p.149-150, in: Barry Rubin and Judith Colp Rubin, Anti-American Terrorism and The middle East, (Oxford (university Press, 2002 .pp.149-151
- برنارد لوئیس تحلیل خوبی از این فتوا و دلایل تاریخی آن ارائه کرده است، رجوع کنید به:  
Bernard Lewis, License to Kill; Usama bin Ladan""s Declaration of Jihad, Foreign Affairs, Vol.77  
(No.6,pp.14-19 (November/December 1998
- Osama bin Laden, Interview With Bin Ladan at Al-jazzera Television, (Decamber 1998) p.155,in:barry .and Judith Rubin, op.cit, pp.151-157
1. Burke, op.cit, p.35
- Ayman al-Zawahiri, Knights Under the Prophet""s Banner, serialized in Al-Sharq al Awast (London) 2-10  
December 2001, Tran. Foreign Broadcast Information Service, Document FBIS-NES-2001-1202, maintained .on-line by the Federation of American Scientists  
[.http://fus.org/irp/world/para/ayman-bk.html](http://fus.org/irp/world/para/ayman-bk.html)
- Al-Qaeda, A Statement f r o m quidat al-Jihad regarding the mandates of the heroes and legality of the :operations in New York and Washington, available at  
[.http://www.mepc.org/public-asp/journal-Vol 10/alqaeda.html](http://www.mepc.org/public-asp/journal-Vol 10/alqaeda.html)
1. .ibid  
2. .ibid  
3. .ibid  
4. .ibid
- Quinton Wiktorowics and John Kaltner, Killing in the Name of Islam; Al-Queda""s Justification For .September 11, Middle East Policy, Vol.X, No.2, pp.76-92, (Summer 2003) p.80
- Michal Doran, The Pragmatic Fanaticism of Al Qaeda: An Anatomy of Extremism in Middle Eastern :Politics, Science Quarterly, (6/22/2002), available at  
[.http://www.lbauza.net/doran.htm](http://www.lbauza.net/doran.htm)